



بررسی مصادیق مهدورالدم با تأکید بر مواد ۳۰۲ و ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

مهسا صدیقی سنگچال^۱؛ سید امیر حسین میر قاسمی^۲



چکیده

اسلام برای حفظ حیات انسان اهمیت بسزایی قائل است تا آن جا که کشتن یک انسان محقون الدم را همسان با کشتن تمامی افراد روی زمین و هم ردیف نابودی با نسل بشر می‌داند. اصل بر محقون الدم بودن و احترام خون انسان است و خلاف آن طبق ماده ۳۰۳ ق.م.ا نیازمند اثبات است. در واقع قانون گذار ما؛ در ماده ۳۰۲ ق.م.ا قتل مهدورالدم را، توسط اشخاص عادی غیر از ضابطین را در صورت اثبات مهدورالدم بودن پذیرفته است. این مقاله بدنبال بررسی این نکته می‌باشد که جایز دانستن قتل اشخاص مهدورالدم توسط اشخاصی غیر از ضابطین، زمینه را برای هرج و مرج فراهم می‌آورد. زیرا قانون گذار خود در اصل ۳۶ ق.ا و ماده ۱۲ ق.م.ا، قانونی بودن مجازات را پذیرفته است. فردی که مرتکب قتل مهدورالدم می‌شود در صورت اثبات مرتکب به قصاص محکوم نمی‌شود ولی اگر ثابت شود اشتباهات این اقدام از او سرزده است

۱. دانشجوی کارشناسی رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران

mahsa.sedighi۸۳۸@gmail.com.

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران

.Sydahm۷۵@gmail.com

مرتکب علاوه بر دیه به مجازات تعزیرات هم محکوم می‌گردد... همچنین مهدورالدم دارای انواع مختلف و آثار متفاوتی می‌باشد که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است و ابعاد مختلف آن با ذکر آیات، مصادیق، تعارضات این قاعده با قوانین و... بیان شده است. روش مورد استفاده در مقاله کتابخانه‌ای، با مطالعه در منابع مختلف گردآوری شده است.

واژگان کلیدی: ماده ۳۰۲ ق.م.ا، ماده ۳۰۳ ق.م، مصوب ۱۳۹۲، بررسی مصادیق.

مقدمه و بیان مسأله

در آغاز شکل گیری حکومت اسلامی به علت نوپا بودن جامعه اسلامی و به همین سبب این حکومت هنوز قدرت اجرایی لازم برای به ثمر رساندن احکام اسلامی در جامعه را نداشته است. برخی احکام در آن زمان با توجه به مصلحت آن زمان وضع شده بود و از مردم به عنوان بازوی اجرایی حکومت برای به انجام رسانیدن احکام و قوانین اسلامی استفاده می شده است. یکی از جمله این قوانین، مهدورالدم می باشد که در آن همه مسلمانان بدون نیاز به اذن امام و حکم دادگاه احکام اسلامی را در جامعه اجرا می کردند. به عنوان مثال ولی دم اختیار داشت قاتل را قصاص کند یا موارد دیگری از جمله هدر بودن خون کافر حربی، مرتد فطری، ساب النبى و... ولی با گذشت زمان و قدرت پیدا کردن حکومت اسلامی و جامعه اسلامی و برپایی دادگاه طبق قوانین اسلام و ایجاد فضا و بستری مناسب برای دریافتن احکام الهی در دادگاه ها به نظر می رسد اجرای احکام الهی توسط مردم دیگر توجیه عقلانی چندانی نداشته باشد و اگر چه که درست است اجرای احکام توسط همه مسلمانان سبب برقراری عدالت در آن موضوع خاص می شود ولی به طور کلی این قاعده برای آن زمان مناسب بوده است و در حال حاضر با عنایت به توضیحاتی که بیان شد سرانجام رسانیدن احکام روز قوانین الهی توسط مردم بدون حکم دادگاه که قطعی شده و به مرحله ی اجرای احکام رسیده باشد، سبب بی نظمی در جامعه، هرج و مرج، بی اعتمادی به دستگاه قضا و آسیب های فراوان دیگری می گردد. و این در قانون هم به نوعی اشاره شده است. گفتنی است که اگر ولی دم قاتل را بدون حکم دادگاه قصاص کند به خاطر جنبه عمومی جرم مورد مجازات قرار می گیرد به عبارت دیگر قاعده مهدورالدم به افراد اجازه می دهد بدون حکم دادگاه احکام الهی را در جامعه پیاده کنند و در مملکت ما با توجه به برپایی دادگاه بر طبق مبانی اسلامی و اینکه قوانین به صورت منظم و مدون در دادگاهها اجرا می شود ممکن است حتی اجرای قاعده مهدورالدم از موانع حاکمیت قانون در جامعه به شمار برود و در نتیجه بهتر است تا جای ممکن

این قاعده تفسیر مضیق و محدود شود و این مهم حاصل نمی‌شود مگر با انجام پژوهش‌هایی از این قبیل که برای بررسی ابعاد مختلف این موضوع در این پژوهش به آن پرداخته‌ایم.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. معنای لغوی و اصطلاحی مهدورالدم

مهدورالدم از ریشه هدر به معنای باطل شدن و ضایع گردیدن می‌باشد. (عباسی، ۱۳۹۸، ص ۲۰). در قوانین فقهی اصطلاح مهدورالدم به کسی گفته می‌شود که شرعاً مستحق کشته شدن است یعنی کسی که ریختن خون او مجاز است. همچنین است که محقق حلی مهدورالدم را اینگونه تعریف کرده است: «هرکس که ریختن خون او را مباح دانسته است. (احمدلو و دیگران، ص ۳۰).

۲-۱. معنای لغوی و اصطلاحی محقون الدم

محقون الدم در لغت: رهاشده شده از قتل. (لغت نامه دهخدا، ص ۲۶). در اصطلاح به معنای کسی است که مستحق مردن نیست و قانون کشتن او را جرم و مستحق قصاص و دیه می‌داند هرچند ممکن است مجرم باشد زیرا یکی از شرایط قصاص قاتل هدر نبودن خون مقتول می‌باشد. این در حالی است که مهدورالدم اگر کشته شود جنایت موجب قصاص و دیه رخ نداده است. در واقع محقون الدم مقابل مهدورالدم است. (حاجی ده آبادی، ۱۴۰۱، ص ۴۲ و ۴۳).

۲. ادله فقهی در باب مهدورالدم

۲-۱. آیه ۳۳ سوره اسراء.

﴿وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا﴾^۱.

۱. «و نفسی را که خداوند حرام کرده است جز به حق مکشید، و هر کس مظلوم کشته شود به سرپرست وی قدرتی داده ایم، پس {او} نباید در قتل زیاده روی کند، زیرا او {از طرف شرع} یاری شده است.»

در این آیه از قرآن، در میان آیاتی قرار دارد که به حرمت قتل فرزندان، زنا، قتل، کم فروشی و اهمیت اموال یتیمان و وفای به عهد می‌پردازد. تنها به برخی از آن، که مرتبط با عنوان است. در این نوشتار بررسی می‌شود. خداوند در این آیه در راستای بیان این نکته است که خون انسان‌ها محترم است. زیرا مفسران پیام اصلی این آیه را بیان حرمت قتل انسان‌ها دانسته‌اند. در ادامه آیه با بیان «إِلَّا بِالْحَقِّ»، می‌افزاید جز در موارد خاص هیچ فردی نباید دست به کشتن فردی بزند. با عبارت «فَقَدْ جَعَلْنَا لُولِيِّهِ سُلْطَانًا»، افرادی را که در دوران جاهلیت افراد زیادی از قبیله قاتل می‌کشتند نهی می‌کند. زیرا این حق انحصاری است.

۲-۲. آیه ۶۸ سوره فرقان

﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا﴾^۱

با آوردن قید «إِلَّا بِالْحَقِّ»، بیان می‌دارد: قتل در مواردی نه تنها لازم است بلکه حق نیز می‌باشد. از جمله: قصاص قاتل، زنا با محارم، زنا کافر با زن مسلمان، زناکاری که زن را مجبور کند، مدعی نبوت، سب و توهین و دشنام به پیامبر و ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، مسلمانان ساحر، مفسد و محارب، کسی که بر امام عادل زمان خروج کند و مشرک محارب.

۲-۳. آیه ۹۲ سوره نساء

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَّةٌ مُسْلِمَةً إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَّدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَّةٌ مُسْلِمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾^۲

۱. «و آنان هستند که با خدای یکتا کسی را شریک نمی‌خوانند و نفس محترمی را که خدا حرام کرده جز به حق به قتل نمی‌رسانند، و هرگز گرد عمل زنا. نمی‌گردند، که هر که این عمل کند کیفر گناهش را خواهد دید».

۲. «هیچ مؤمنی را نرسد که مؤمن دیگری را به قتل رساند مگر آنکه به اشتباه و خطا مرتکب آن شود، و در صورتی که به خطا هم مؤمنی را مقتول ساخت. باید (به کفار آن) بنده مؤمنی را آزاد کند و خونبهای آن را به صاحبش تسلیم

این آیه در صد بیان پیام‌های می‌باشد. همچون؛ قتل بی گناه در اسلام حرام است. احترام جان مسلمان تا حدی است که از قتل خطایی هم نمی‌توان به آسانی گذشت. پس در نتیجه: جان انسان محترم است و نباید نادیده گرفته شود.

۳. ماده ۳۰۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲

ماده ۳۰۲ ق.م.ا: در صورتی که مجنی علیه دارای یکی از حالات زیر باشد مرتکب به قصاص و پرداخت دیه محکوم نمی‌شود.

الف) مرتکب جرم حدی که مستوجب سلب حیات است.

ب) مرتکب جرم حدی که مستوجب قطع عضو است مشروط بر اینکه جنایت وارد شده بیش از مجازات حدی او نباشد در غیر اینصورت مقدار اضافه بر حد حسب مورد دارای قصاص و یا دیه و تعزیر است.

پ) مستحق قصاص نفس یا عضو فقط نسبت به صاحب حق قصاص و به مقدار آن قصاص نمی‌شود.

ت) متجاوز و کسی که تجاوز آن قریب الوقوع است و در دفاع مشروع به شرح مقرر در ماده (۱۵۶) این قانون جنایتی بر او وارد شود.

ث) زانی و زانیه در حال زنا نسبت به شوهر زانیه در غیر موارد اکراه و اضطرار به شرحی که در قانون مقرر است.

تبصره ۱- اقدام در مورد بندهای (الف)، (ب) و (پ) این ماده بدون اجازه دادگاه جرم است و مرتکب به تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.

نماید مگر آنکه دیه را ورثه (به قاتل) ببخشند. و اگر مقتول مؤمن از قومی باشد که با شما دشمن و محاربند، قاتل دیه ندهد، لیکن بر او است که بنده مؤمنی را آزاد کند، و اگر مقتول از قومی است که بین شما با آنها پیمان برقرار بوده پس خونبها را به صاحب خون پرداخته و بنده مؤمنی (به کفاره آن) آزاد کند، و اگر (بنده‌ای) نیابد بایستی دو ماه متوالی روزه دارد. این توبه‌ای است که از طرف خدا پذیرفته است و خدا دانا و حکیم است.»

بررسی مصادیق مهدورالدم با تأکید بر مواد ۳۰۲ و ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ◇ ۷

تبصره ۲- در مورد بند (ت) چنانچه نفس دفاع صدق کند ولی از مراتب آن تجاوز شود قصاص منتفی است لکن مرتکب به شرح مقرر در قانون به دیه و مجازات تعزیری محکوم می‌شود. (الف) حالت: استفاده از واژه حالات به این دلیل است که در همه موارد مندرج در ماده محکوم نشدن مرتکب به قصاص و دیه به لحاظ ارتکاب جرم از سوی مجنی علیه نیست مانند تجاوز قریب الوقوع در دفاع. (ب) مرتکب: منظور از واژه مرتکب کسی می‌باشد که علیه کسانی مرتکب جنایت می‌شود که دارای یکی از حالات مذکور در بند های پنج گانه هستند ولی واژه «مرتکب» در بند های (الف) و (ب) ماده ۳۰۲ ق.م.ا مترادف «مجنی علیه» مورد استفاده قرار گرفته است. (پ) شخصیت مرتکب: مخاطب قانون گذار «مرتکب» در صدر ماده مذکور حسب مورد متفاوتند و واکنش های قانونی علیه آنان نیز یکسان نیست. (ت) نوع جنایت ارتكابی: نوع جنایت ارتكابی علیه اشخاص موضوع ماده ۳۰۲ عمدی است و چنانچه علیه آنان غیر عمدی باشد به طریق اولی دیه ای تعلق نخواهد گرفت هر چند منعی برای محکومیت او به جنایت غیر عمدی و اعمال تعزیر وجود ندارد. (ث) جنایت: استفاده از واژگان قصاص و دیه در صدر ماده ۳۰۲ ق.م.ا اعم از آن است که جنایت واقع شده بر مجنی علیه جنایت بر نفس یا عضو باشد. (ج) اثبات حالت: اجازه قانون گذار به ارتكاب جنایت در ماده ۳۰۲ ق.م.ا منصرف از آن است که ارتكاب جرم از سوی مجنی علیه در دادگاه ثابت شده باشد. در هر حال مرتکب جنایت در این ماده باید صدق حالت مجنی علیه با یکی از مصادیق مذکور در این ماده را در دادگاه ثابت نماید. (چ) معافیت و وصف مجرمانه: معافیت مرتکب در این ماده از قصاص و دیه در هیچ یک از مصادیق به معنای جرم نبودن جنایت ارتكابی و به تبع آن معافیت از تعزیر نیست و حسب مورد اقدام مجرمانه می‌تواند منتهی به تعزیر گردد. البته به استثنای بند های (ت و ث) که تعزیر نیز منتفی است. به عبارت دیگر؛ معافیت از مجازات به دلیل جرم نبودن رفتار ارتكابی نیست. (آقای نی، ۱۳۹۹، ص. ۲۶۸، ۲۶۷، ۲۶۶).

۴. مصادیق مهدورالدم

– مهدورالدم شرعا مستحق کشتن است و از حمایت جامعه اسلامی به عنوان یک نفس محترم و محقون الدم محروم می‌باشد. اشخاصی که مهدورالدم نامیده می‌شوند را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: افرادی که در مقابل همه مسلمین مهدورالدم تلقی می‌شوند «مهدورالدم مطلق» به بیان دیگر؛ به این اشخاص واجب القتل می‌گویند که توسط همه مردم جایز است اما گروه دیگر؛ «مهدورالدم نسبی» نامیده می‌شود که جنایت توسط کسانی که در مقام دفاع از جان و ناموس خود در مقابل آنها اقدام می‌کنند جایز و مباح می‌باشد. این تاسیس بعد از انقلاب رواج یافت، البته در سال‌های متمادی که قوانین تغییر می‌کرد این مورد هم با تحولاتی مواجه بود که در نهایت در ماده ۳۰۲ ق.م.ا.م صوب ۱۳۹۲ اشخاص مهدورالدم مورد احصا قرار گرفته است. مطابق ماده ۳۰۲ ق.م.ا.م صوب ۱۳۹۲ مهدورالدم مطلق عبارتند از: (۱) مستحق قصاص نفس یا عضو فقط نسبت به صاحب حق قصاص و به مقدار آن قصاص نمی‌شود. (۲) زانی و زانیه در حال زنا نسبت به شوهر زانیه. مهدورالدم نسبی عبارتند از: (۱) مرتکب جرایم حدی که مستوجب سلب حیات است. (۲) جرایم حدی که مستوجب قطع عضو است. (۳) متجاوز و کسی که تجاوز او قریب الوقوع است و در دفاع مشروع به شرح مقرر در ماده «۱۵۶» این قانون جنایتی بر او وارد شود. (نجفی توانا، ۱۴۰۰، ص. ۱۹۲)

۵. اشتباه در تشخیص مهدورالدم

ماده ۳۰۳ ق.م.ا.م: هر گاه مرتکب، مدعی شود که مجنی علیه، حسب مورد در نفس یا عضو مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است یا وی با چنین اعتقادی، مرتکب جنایت بر او شده است این ادعا باید طبق موازین در دادگاه ثابت شود و دادگاه موظف است نخست به ادعای مذکور رسیدگی کند. اگر ثابت نشود که مرتکب بر اساس چنین اعتقادی، دست به جنایت زده و مجنی علیه نیز موضوع ماده (۳۰۲) نباشد مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به مجازات مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» نیز محکوم می‌شود.

بررسی مصادیق مهدورالدم با تأکید بر مواد ۳۰۲ و ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ◇ ۹

۱-۵. هرگاه جانی شخصی را که واقعا مهدورالدم است و یا تصور می‌کند که مهدورالدم است مورد هدف قرار دهد ولی بر اثر خطا در هدف گیری موجب ورود جنایت به شخص دیگری که مهدورالدم نمی‌باشد شود جنایت وی مشمول ماده ۲۹۶ ق.م.ا و در نتیجه خطای محض خواهد بود زیرا وی در انجام فعل خود علیه مجنی علیه عامد نبوده است.

۲-۵. هرگاه جانی انسان محقون الدمی را مورد هدف قرار دهد ولی بر اثر خطا در هدف گیری جنایت به شخص مهدورالدمی وارد شود عمل مرتکب مشمول ماده ۲۲۶ و قسمت اخیر تبصره ۲ ماده ۲۹۵ خواهد بود یعنی قصاص و دیه از او ساقط می‌شود زیرا در هر حال انسان مهدورالدمی به قتل رسیده است و برای چنین قتلی نه قصاص ثابت می‌شود و نه دیه. البته امکان محکوم کردن مرتکب به شروع به قتل شخص محقون الدم در صورت وجود شرایط آن طبق ماده ۶۱۳ است.

۳-۵. گاه اعتقاد نادرست جانی نسبت به مهدورالدم بودن قربانی ناشی از یک اشتباه حکمی است که با یک اشتباه در هویت توأم می‌شود. چون در این حالت شخص جانی فردی را که عملا کشته مهدورالدم پنداشته است عمل وی مشمول تبصره ۲ ماده ۲۹۵ و در نتیجه به منزله خطای شبهه عمد خواهد بود.

۴-۵. گاه اعتقاد نادرست جانی نسبت به مهدورالدم بودن قربانی ناشی از یک اشتباه موضوعی است که با یک اشتباه در هویت توأم می‌شود. حکم این مورد نیز مثل مورد قبل است زیرا در هر حال قاتل برادر الف را به تصور مهدورالدم بودن کشته و در نتیجه عمل وی مشمول تبصره ۲ ماده ۲۹۵ و به منزله شبهه عمد است. (میرصادقی، ۱۳۸۷، ص. ۳۳۲).

۶. ملاک تشخیص مهدورالدم

مجازات اشخاص بر عهده حاکم است و مردم چنین حقی ندارند بلکه اگر مردم خودسرانه اقدام به مجازات یکدیگر نمایند موجب هرج و مرج و بی نظمی در جامعه می‌شود. در جهانی

بررسی مصادیق مهدورالدم با تأکید بر مواد ۳۰۲ و ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ◇ ۱۱

اعتقادی مرتکب جنایت بر او شده است، این ادعا باید طبق موازین در دادگاه ثابت شود و دادگاه موظف نخست به ادعای مذکور رسیدگی کند. اگر ثابت نشود که مجنی علیه مشمول ماده ۳۰۲ است و نیز ثابت ثابت نشود که مرتکب جنایت شده است مرتکب به قصاص محکوم می شود ولی اگر ثابت شود که به اشتباه با چنین اعتقادی دست به جنایت زده و مجنی علیه نیز موضوع ماده ۳۰۲ نباشد مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به مجازات مقرر در کتاب پنجم محکوم می شود. ظاهر این ماده دلالت بر آن دارد که مهدورالدم بودن مقتول یکی از علل موجهه ی جرم می باشد زیرا دیه نیز که خسارت مدنی است منتفی می باشد و بر همین اساس عده ای آن را جز علل موجهه جرم می دانند. (زراعت، ۱۳۹۴، ص. ۱۸۰).

۸. مبنای معافیت مرتکب از قتل مهدورالدم از منظر فقه اسلامی

مهم ترین مبنای معافیت قاتلی که مرتکب قتل انسان مهدورالدمی می شود، روایات شرعی است که از جمله قصاص کننده ملزم به پرداخت دیه نمی دانند یا مسئولیتی بر عهده دفع کننده قرار نداده اند یا زنی را که در مقام دفاع سارق را به قتل می رساند فاقد مسئولیت می دانند. کتابهای فقهی که قید «عدواناً» را برای تعریف قتل عمدی آورده اند اشاره به این علت دارند زیرا قتل شخص مهدورالدم از مصادیق قتل عدوانی نمی باشد. (زراعت، ۱۳۹۴، ص. ۱۹ و ۲۰).

۹. تعارض مبنایی مهدورالدم و مصادیق آن با قانون مجازات اسلامی

۹-۱. اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها

اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها در صدد بیان این معناست هیچ عملی جرم محسوب نمی شود مگر اینکه قانون گذار آن را جرم انگاری کرده باشد و برای آن عمل مجازات تعیین نموده باشد. «ماده ۱۲ ق.م.ا» تا عصر رنسانس و انقلاب کبیر فرانسه، افراد بنابر میل پادشاه، حکام، کشیش و روحانی مجازات می شدند، چه بسیار افراد بی گناه که با به مجازات رسیدند، چه خون های پاک که بر زمین ریخته شد، چه اموال و نفوس و ارض و ناموس مردم که مورد

هتک قرار گرفت. انقلاب کبیر فرانسه و حلول عصر رنسانس، عصر بیداری مردم و زمینی شدن حکومت‌ها بود تا این زمان پادشاهان، حکام، کشیشان و روحانیون خود را سایه و نماینده خدا می‌دانستند. در این زمان تحول اساسی در افکار مردم به وجود آمد، حکام در هر موقعیتی که بودند فقط خدمتگزار مردم محسوب می‌شدند، هیچ کس حق نداشت خود را از دیگران برتر بداند. بازپرسی‌ها در قرون وسطی در اروپا فاجعه آور بود به دستور بازپرس فرد دستگیر شده تا سر حد مرگ شکنجه می‌شد تا اقرار کند در صورت اقرار اظهارات او در حضور کشیش صورت مجلس و به امضای حاضران می‌رسید، همچنین حکم شدیدی برای زندانی تعیین می‌شد، در صورت عدم اقرار، این شکنجه تا مرگ ادامه می‌یافت. در این زمان اصل بر مجرمیت بود، این متهم بود که باید بی گناهی خود را در زیر شکنجه ثابت می‌کرد. (کاظم پور، ص. ۳۰). آیات متعددی دلیل بر اصل قانونی بودن ارائه شده است که مهم ترین آنها عبارت است از آیه شریفه «ما كنا معذبين حتى نبعث رسولا: ما هرگز کسی را عذاب نکردیم، مگر اینکه پیش از آن رسولی را بر ایشان برگزیده‌ایم سوره اسراء آیه ۱۵. (هاشمی، ص. ۴).

۹-۲. اصل ۳۶ و ۱۶۷ قانون اساسی

قانون گذاران قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول ۳۶ و ۱۶۷ ق.ا اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها را پذیرفته‌اند.

اصل ۳۶ ق.۱: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.»
 اصل ۱۶۷ ق.۱: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و.....»
 ۹-۳. تعارض ق.م.ا با ق.ا (اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها): به نظر میرسد که با توجه به تعریف اصل قانونی جرم و مجازات و همچنین اصول ۳۶ و ۱۶۷ ق.ا حکم مجازات و اجرای آن تنها باید از طریق حکم دادگاه صالح و به موجب قانون صورت پذیرد. در ارتباط با مهدورالدم در برخی موارد فرد اختیار دارد که به صورت مستقل اجرای حکم کند. مانند: قاعده فراش که

بررسی مصادیق مهدورالدم با تأکید بر مواد ۳۰۲ و ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ◇ ۱۳

اگر مردی همسر خود را با یک اجنبی مشاهده کند اجازه قتل هر دو آن‌ها را دارد و مجازاتی بر آنها بار نمی‌شود. این مثالی که بیان شد علاوه بر اینکه اجرای حکم بصورت مستقل و بدون حکم دادگاه صورت پذیرفته است حتی ممکن است در برخی موارد اجرای حکم توسط همسر فراتر از حکمی باشد که در قانون بیان شده است. فردی را تصور کنید که پسری مجرد بدون آگاهی از شوهر داشتن زنی با او مرتکب زنا می‌شود. در این فرض حکم پسر مجرد ضربه شلاق و حکم زن شوهر دار سنگسار به موجب زنای محصنه می‌باشد. اما در این مثال اگر همسر زن سربرسد می‌تواند هر دو آنها را بکشد به موجب جوازی که قاعده فراش به وی داده است یعنی پسر که مجازات او صد ضربه شلاق است توسط همسر به قتل رسیده است که عقوبتی است شدیدتر از آنچه قانون برای این فرد در نظر گرفته است. پس با ذکر این مثال؛ در می‌یابیم قاعده فراش و به طور کلی عنوانی به نام مهدورالدم اجازه می‌دهد افراد بدون حکم قانون و دادگاه صالح اقدام به اجرای مجازات کنند که این خود خلاف ق.م.ا و ق.ا می‌باشد و انجام مجازات به صورت مستقل سبب ایجاد هرج و مرج در جامعه می‌شود و نظم عمومی را مختل می‌کند. گفتنی است؛ انجام مجازات بالمباشره توسط ولی دم دارای جنبه عمومی می‌باشد که البته به نظر میرسد؛ این امر باز دارندگی لازم را ندارد. زیرا این اقدام توسط ولی دم در حالی می‌باشد که هنوز محکمه‌ای تشکیل نشده، علل و عوامل وقوع جرم بررسی نشده و حتی نوع جرم اعم از عمدی یا شبه عمدی بودن یا خطای محض بودن آن هنوز مشخص نگردیده است. پس در چنین موردی اجرای مجازات توسط ولی دم صرفاً به علت این که فرد مهدورالدم می‌باشد خلاف ق.ا و حتی ممکن است بر خلاف عدالت باشد.

۱۰. وحدت ملاک از قاعده فراش

۱۰-۱. قوانین مرتبط با قاعده فراش

تبصره ث ماده ۳۰۲ ق.م.ا: (زانی و زانیه در حال زنا نسبت به شوهر زانیه در غیر موارد اکراه و اضطرار به شرحی که در قانون مقرر است).

ماده ۶۳۰ ق.م.ا: هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن نداشته باشد می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد فقط مرد را می‌تواند به قتل برساند. حکم ضرب و جرح در این مورد نیز مانند قتل است.

۱۰-۲. نظرات حقوق دانان

عده‌ای از حقوق دانان «مبنای معافیت از مجازات در ماده مذکور را علل موجهه جرم به معنی اذن و اجازه قانون گذار در ارتکاب قتل و ضرب و جرح نسبت به مرد اجنبی و همسر مرد می‌باشد زیرا مقنن با بیان عبارت «می‌تواند آنها را به قتل برساند» مبادرت به صدور جواز قتل، ضرب و جرح همسر و مرد اجنبی برای شوهر نموده است». (حجتی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۹۵). البته خود این عمل مقنن می‌تواند سبب افزایش قتل شود زیرا به هر انسانی این اجازه را می‌دهد که به صرف اعتقاد او را به قتل برساند که این خود به معنای تفسیر موسع قوانین است که این بر خلاف قوانین ماهوی می‌باشد. حقوق دانان دیگری افزوده‌اند: «عذر بر انگیزختگی را به عنوان قاعده‌ای عمومی در تمام جرایم عامل معاف کننده یا تخفیف دهنده ی مجازات است که مرتکب تحت تأثیر بر انگیزختگی مرتکب در این حالت و ضیعت عادی ندارد و فاقد اراده‌ای کامل نسبت به اعمال و رفتار خود می‌باشد بنابر این مسئولیت وی یک مسئولیت نقصان یافته است. یکی از مصادیق عذر بر انگیزختگی را مردی دانسته است که همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی ببیند و در همان حال او را بکشد یا صدمه‌ای به وی وارد کند این حالت را اصطلاحاً قتل در فراش می‌نامند زیرا حق برقراری رابطه جنسی با زن اختصاص به شوهرش دارد و این

بررسی مصادیق مهدورالدم با تأکید بر مواد ۳۰۲ و ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ◇ ۱۵

حق با حقوق دیگر تفاوت دارد. در فرهنگ ما غیرت مردانگی تعرض به چنین حقی را بر نمی‌تابد و بر همین اساس به مرد اجازه داده شده است چنانچه مردی را در حال زنا با همسرش در فراش دید او را به قتل برساند. که ماده ۶۳۰ ق.م.ا این عذر را پیش بینی نموده است». (زراعت، ۱۳۹۴، ص. ۱۱ و ۱۲).

۱۰-۳. شرایط تحقق سبب قتل در فراش (مهدورالدم)

الف) صفت مرتکب: مرتکب فقط شوهر زن زنا کار است بنابراین پدر یا فرزند یا برادر زن چنین حقی را ندارند. همچنین زنی اگر شوهر خود را در حال زنا با زن اجنبی ببیند حق کشتن او را ندارد هر چند این موضوع مورد انتقاد گروهی از حقوق دانان قرار گرفته است و گفته شده قانون گذار تحت تأثیر نظام مرد سالاری قرار گرفته است. این مورد را باید به صورت محدود و مضیق تفسیر نمود.

ب) صفت مقتول: مقتول منحصر در زن و مرد زناکار است بنابراین خواهر یا مادر یا دختر را نمی‌توان در حال زنا با مرد اجنبی به قتل رساند و مرد زناکار نیز شامل هر مردی است که حق نزدیکی با زن زناکار را نداشته باشد. مقتول لازم نیست همسر دائمی قاتل باشد بلکه ماده ۶۳۰ شامل زوجه ی مطلقه نیز می‌شود هر چند در این زمینه احتمال مخالف نیز وجود دارد اما به هر دلیل لفظی (ظاهر قانون) بر اصل عملی (اصل برائت) مقدم است.

پ) شرط در حال زنا بودن: عبارت در حال زنا بیانگر آن است که شوهر باید زن خود را در حال زنا ببیند و در حال زنا بودن منصرف به عملیات دخول تناسلی زن است (ماده ۲۲۱ ق.م.ا) دیدن چنین حالتی بسیار نادر و بلکه محال است. پس اگر قرائن و اوضاع و احوال جنبی، شوهر را به یقین برساند که همسرش با مردی که نزد اوست زنا کرده است کفایت می‌کند اما زن و مرد نباید از محل زنا یا از حالت نزدیکی خارج شده باشند مانند این که مردی وارد خانه شده و در تاریکی با مرد لختی در اتاق همسرش روبه رو شود که آلت تناسلی او خیس است و در همان حالت او را بکشد.

ت) شرط دیدن ناگهانی: گرچه دیدن اتفاقی و ناگهانی در ماده ۶۳۰ ق.م.ا بیان نشده است اما فلسفه وضع ماده چنین شرطی را اقتضا می‌کند زیرا حق شوهر زمانی به وجود می‌آید که برانگیخته شده و نتواند خودش را کنترل کند این در مواردی رخ می‌دهد که شوهر شکی در عقیف بودن همسر خود نداشته باشد اما ناگهان خلاف آن را در یابد. بنابراین مردی که مطمئن است همسرش به او خیانت می‌کند اگر منتظر چنین لحظه‌ای باشد تا او را بکشد نمی‌تواند از این حق بهره مند شود هر چند به صورت اتفاقی و ناگهانی همسرش را در حال زنا ببیند زیرا قتل همسر در این حالت شکل انتقام دارد نه این که اثر برانگیختگی باشد.

ح) شرط قتل در حال زنا: عبارت (در همان حال، آنان را به قتل برساند) بیانگر آن است که قتل باید در همان لحظه‌ای صورت گیرد که شوهر با خیانت همسرش روبه رو شود زیرا در این لحظه است که فلسفه حق یعنی برانگیختگی فراهم می‌شود هرچند ممکن است مدتی طول بکشد تا مرد وسیله‌ای را برای قتل همسر و مرد زناکار پیدا کند. به هر حال کشتن در حال زنا معنای عرفی است و اگر بلافاصله از حالت زنا خارج شده و قصد فرار داشته باشد در حالت زنا محسوب می‌شود اما اگر دلایل و اماره‌هایی وجود داشته باشد که زنا را ثابت کند این عنوان صدق نمی‌کند.

خ) عمدی بودن قتل: گرچه ماده ۶۳۰ ق.م.ا تصریحی به شرط عمدی بودن قتل ندارد اما ظاهر عبارت (آنان را به قتل برساند) ظهور در آن دارد که شوهر باید قصد کشتن همسر خود و مرد زناکار را داشته باشد. پس اگر مردی قصد کشتن آن‌ها را نداشته باشد و فعل او نوعاً کشنده نباشد و به صورت غیر عمدی مرتکب قتل شود از این عذر بهره مند نخواهد بود و فلسفه‌ی قتل در فراش نیز چنین اقتضایی دارد زیرا کسی که برانگیخته می‌شود قصد قتل را می‌نماید. (زراعت، ۱۳۹۴، ص. ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳).

بنابراین با توجه به ماده ۶۱۲ ق.م.ا مبنای معافیت قاتل در قتل در فراش این می‌باشد که قاتل باید به دلایل شرعی و قانونی موضوع تمکین و زنا را ثابت نماید و اگر ثابت شود قانون گذار این مورد را از موارد علل موجهه دانسته و متهم قابل تعقیب نمی‌باشد و در نتیجه متهم تبرئه می‌گردد. (معاونت آموزش قوه قضائیه، ص. ۱۱۳).

نتیجه گیری

در فقه اسلامی توجه ویژه به محقون الدم شده است زیرا به نظر قانون گذار اسلامی مقام فرد در جامعه بسیار محترم و ارجمند است و در واقع برای خون شخص محقون الدم ارزش و احترام قائل شده است نه شخص مهدورالدم که خون آن را هدر می داند. بنابراین؛ قانون گذار ما در ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قتل مهدورالدم را توسط اشخاص عادی غیر از ضابطین، را جایز دانسته است که این بر مبنای آیات بیان شده، فقط این حق به برخی اشخاص داده شده است نه به همه. همین امر زمینه را، برای خروج از هرج و مرجی که ممکن بود با قائل شدن تفسیر موسع پدید آید خوداری نمود. و همچنین این اختیار را به افراد می داد که حتی اگر رفتار انجام شده از مصادیق مهدورالدم نباشد اما با ادعای دروغین مبنی بر مهدورالدم بودن، او را به قتل برساند و این می شود تفسیر موسع قوانین کیفری در حالی که تفسیر باید مضیق باشد. قانونگذار در تبصره ۱ ماده ۳۰۲ برخی حالات قتل شخص مهدورالدم را بدون اجازه دادگاه جرم دانسته است البته بر خود تبصره هم نقدی وارد است و آن هم این است که قانون گذار از واژه اجازه استفاده نموده است به جای اذن زیرا اذن و اجازه هر کدام معنایی متفاوت از دیگری را افاده می نمایند. باید افزود که با بیان تبصره مذکور همچنان مشکل برطرف نشده است. زیرا عدم بیان تبصره در رابطه با حالات دیگر مهدورالدم به معنای دادن اذن به اشخاص عادی برای قتل شخص مهدورالدم است و اگر دلیل این امر را هدر بودن خون مهدورالدم بدانیم این دلیل کافی نمی باشد. در واقع این قانون گذار است که باید ضابطه ای با توسل به قدرت خود برای مجازات این اشخاص ایجاد کند تا حتی در این امر هم که نوعی جرم می باشد همانند جرایم دیگر مجازات مجرمین را خود به سرانجام برساند. همان گونه که قانون گذار؛ قانونی بودن مجازات را در اصل ۳۶ ق.ا و ماده ۱۲ ق.م.ا پذیرفته است. فردی که مرتکب قتل مهدورالدم می شود در صورت اثبات مرتکب به قصاص محکوم نمی شود ولی اگر ثابت شود اشتباها این اقدام از او سرزده است مرتکب علاوه بر دیه به مجازات تعزیرات هم محکوم

می‌گردد. در نتیجه؛ اصل بر محقون الدم بودن فرد است و کسی که مدعی به قتل رساندن شخص مهدورالدم است اوست که باید اثبات نماید. با وجود تمام بیانات گفته شده همچنان واگذاری اختیار این امر به اشخاص عادی که قانون‌گذار به آنان حق به قتل رساندن مهدورالدم را داده است این با منطق عقلایی، همان گونه که قانون‌گذار امری را جرم انگاری می‌نماید باید آن را آن گونه که شایسته است به سزای عملش برساند ناسازگار است پس این قانون‌گذار است که باید در این راستا تدبیری بیندیشد.

منابع و مأخذ

۱. قانون مجازات اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۲)
۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۳. آقایی نیا، حسین، (۱۳۹۹)، جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، نشر میزان، تهران.
۴. امینی، علیرضا، آیتی، محمد رضا، (۱۳۹۷)، تحریر الروضه فی شرح اللمعه «۲»، انتشارات کتاب طه و سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی.
۵. احمدلو، محمد، عبد الوند، الهه سادات، «مطالعه حقوقی جرم شناسی تبصره ۲ قانون مجازات اسلامی «جواز قتل مهدورالدم»»، همایش پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، دوره نهم.
۶. الهیان، مجتبی، (۱۳۷۹)، نگرشی فقهی - حقوقی پیرامون احکام حدود، قصاص، دیات در فقه امامیه، مجتمع آموزش عالی قم،).
۷. بازگیر، یدالله، (۱۳۷۸)، قانون مجازات اسلامی در آینه آراء دیوان عالی کشور، تهران، چاپ دریا.
۸. پاد، ابراهیم، (۱۳۸۱)، حقوق کیفری اختصاصی «جلداول»، انتشارات رهام، تهران.
۹. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۴۰۰)، ترمینولوژی حقوقی، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ سی و سوم.

۱۰. حجتی، سید مهدی، (۱۳۸۴)، قانون مجازات در نظم کنونی، تهران، میثاق عدالت، چاپ اول.
۱۱. حاجی ده آبادی، احمد، (۱۳۹۵)، ترجمه شرح و تلیقه تکمله منهاج، کتاب القصاص، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
۱۲. _____، (۱۴۰۱)، جرایم علیه اشخاص «قتل»، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
۱۳. زراعت، عباس، (۱۳۹۴)، جرایم علیه اشخاص، انتشارات جاودانه «جنگل»، تهران، چاپ سوم.
۱۴. حسینی دشتی، مصطفی، (۱۳۷۹)، معارف و معاریف دایره المعارف جامع اسلامی، انتشارات اندیشه مولانا، تهران، چاپ سوم.
۱۵. عباس زاده اهری، حسن، (۱۳۷۸)، جرمها و مجازات‌ها در اسلام، تبریز، آیدین.
۱۶. عباسی، عاطفه، «بازخوانی جواز قتل مهدورالدم و چالش‌های آن با دادرسی منصفانه»، فصلنامه علمی پژوهشی تعالی حقوق، شماره سوم، بهار ۱۳۹۸.
۱۷. قدسی، سید ابراهیم، (۱۳۹۴)، جنایت علیه جسم در حقوق کیفری ایران، گام حق، تهران.
۱۸. کاظم پور، سیروس، «بررسی حقوقی اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها با نگاهی به قانون اساسی ایران»، فصلنامه علمی حقوقی دادیار، دوره دوم، شماره پنجم.
۱۹. میر محمد صادقی، حسین، (۱۳۸۷)، جرایم علیه اشخاص، نشر میزان، تهران.
۲۰. مؤمنی، عابدین، (۱۳۹۷)، حقوق جزای اختصاصی اسلام، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها «سمت»، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، تهران.
۲۱. موسوی همدانی، محمد باقر، (۱۳۷۰)، ترجمه تحریر الوسیله «جلد چهارم»، مؤسسه انتشارات دارالعلم،
۲۲. مصدق، محمد، (۱۳۹۹)، بایسته‌های حقوق جزای اختصاصی، پژوهاک عدالت، تهران.

۲۳. محمدی، نورالله، رحیمی، حسن، یوسفی محله، (۱۳۹۰)، قتل عمد در آراء دادگاه کیفری استان تهران، انتشارات جاودانه «جنگل»، تهران.
۲۴. معاونت آموزش قوه قضائیه، (۱۳۸۷)، رویه قضایی ایران در ارتباط با دادگاه کیفری استان، انتشارات جنگل.
۲۵. هاشمی، سید محمد، «قرآن و اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها»، فصلنامه قرآن فقه و حقوق اسلامی، دوره اول، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۴.
۲۶. علی، نجفی توانا، (۱۳۹۴)، جنایات علیه تمامیت جسمانی اشخاص، نشر میزان، تهران.